

## هم‌سنجی حالت‌های روان‌بنه، سازگاری هیجانی، و زندگی مبتنی بر ارزش‌ها در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی

لیلا حیدرنیا چوبر<sup>۱</sup>، رامین لطافتی بریس<sup>۲</sup> و عیسی جعفری<sup>۳</sup>

### چکیده

طلاق در ایران و جهان شایع است و عواقب منفی زیان‌باری بر تمام حیطه‌های زندگی بشر دارد و بررسی متغیرهای مرتبط با آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. هدف پژوهش حاضر، مقایسه حالت‌های روان‌بنه، سازگاری هیجانی و زندگی مبتنی بر ارزش‌ها در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی شهرستان آستارا بود. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش، علی-مقایسه‌ای است. جامعه پژوهش، شامل زوجین متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره روان‌شناختی و زوجین عادی آستارا در سال ۱۴۰۰ بود که از میان آن‌ها، ۳۰ زوج (۶۰ نفر) زوجین متقاضی طلاق و ۳۰ زوج (۶۰ نفر) زوجین عادی به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه حالت‌های روان‌بنه، پرسش‌نامه ارزشمندی زندگی و مقیاس سازگاری هیجانی جمع‌آوری و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آزمون‌های آماری t مستقل و تحلیل واریانس چندمتغیری و نرم‌افزار SPSS-24 استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که زوجین متقاضی طلاق در مقایسه با زوجین عادی، حالت‌های روان‌بنه ناسازگارتر، سازگاری هیجانی و زندگی ارزشمدار پایین‌تری دارند؛ بنابراین، حالت‌های روان‌بنه، سازگاری هیجانی و زندگی مبتنی بر ارزش‌ها، ارتباط معنی‌داری با زندگی زناشویی و طلاق دارند و می‌توانند مورد استفاده مشاوران، روان‌شناسان و پژوهشگران قرار گیرند.

واژه‌های کلیدی: طلاق، حالت‌های روان‌بنه، سازگاری هیجانی، زندگی مبتنی بر ارزش‌ها

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، مشاور و دبیر روان‌شناسی سازمان آموزش و پرورش استان گیلان، گیلان، ایران.

۲. دکترای مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول [raminlb21@gmail.com](mailto:raminlb21@gmail.com))

۳. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

## Comparison of the Schema modes, Emotional adjustment and Valuable life in the Couples of Applicant of Divorce and Normal Couples

Leila Heidarnia chobar<sup>1</sup>, Ramin Letafati beris<sup>2</sup>, Eisa Jafari<sup>3</sup>

### Abstract

Divorce is common in Iran and the world and has detrimental negative consequences on all areas of human life, and the study of related variables is an inevitable necessity. The aim of this study was to compare the schema modes, emotional adjustment and valuable life in the couples of applicant of divorce and normal couples in Astara. In regard to the purpose, this research was applicable and in regard to procedure, it was a casual-comparative research. The statistical population consisted of all couples of applicant of divorce who were referred to the psychological counseling centers, and normal couples in Astara in 2022.

Among the couples of applicant of divorce, 30 couples (n=60) and among normal couples, 30 couples (n=60) were selected by available and targeted sampling method. Data were collected by schema mode questionnaire (SMQ), valued living questionnaire (VLQ) and emotional adjustment measure (EAM). multivariate analysis of variance (manova) and independent-samples T Test with SPSS-24 was used to analysis of data.

Findings showed that couples of applicant of divorce have higher schema modes ( $P < 0.01$  &  $P < 0.05$ ) and they have lower emotional adjustment ( $P < 0.01$ ) and value life ( $P < 0.01$ ) than normal couples. Therefore, schema modes, emotional adjustment and valuable life are three affective factors in divorce and can be used by counselors, researchers and psychologists.

**Keywords:** divorce, schema modes, emotional adjustment, valuable life

- 
1. M.A in clinical psychology, Counselor and psychology teacher in Guilan Province Education Organization, Guilan, Iran.
  2. PHD in counseling, Department of counseling, Faculty of Education and Psychology, Mohagheg Ardebili University, Ardebil, Iran. (corresponding author), Email: raminlb21@gmail.com
  3. Associate Professor of Psychology, Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran.

## مقدمه

یکی از تهدیدات رشد و بالندگی خانواده‌ها، ناسازگاری زناشویی و طلاق است (بچمن<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۸). طلاق در ایران و جهان شایع است (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۷؛ مرکز کنترل بیماری و پیشگیری آمریکا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶؛ کمیسیون اروپا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵ و لین، براون و ملن کمپ<sup>۴</sup>، ۲۰۲۲). طلاق در زمره عوامل استرس‌زای زندگی بزرگسالی طبقه‌بندی می‌شود (لورنز<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۶) و با به همراه داشتن گستره‌ای از پیامدهای منفی روان‌شناختی مانند اضطراب و افسردگی (هالد<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۲۰)، عواقب منفی زیان‌باری بر تمام حیطه‌های زندگی بشر دارد (بریان<sup>۷</sup>، ۲۰۲۱). روند صعودی طلاق در همه گروه‌های ازدواج و موقعیت‌های اجتماعی و گروه‌های دینی، منعکس‌کننده افزایش میزان طلاق در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف است و علاوه بر تأثیرات نامطلوب بر اعضای خانواده، از جمله تأثیر شدید اقتصادی بر زنان و کودکان، حتی انحلال ازدواج بد، دردهای روانی درخور توجهی بر اعضای خانواده وارد می‌کند. همچنین، طلاق می‌تواند باعث مشکلات سلامت، از جمله مشکلات اجتماعی، رفتاری و روانی برای والدین و فرزندان و چالش‌های اقتصادی شود (آکپان و ایزوم<sup>۸</sup>، ۲۰۲۲).

یکی از عوامل مهم تأثیرگذار در روابط زناشویی و جدایی زوجین روان‌بنه‌ها<sup>۹</sup> هستند. روان‌بنه الگویی ذهنی است که دانش عمومی و انتزاعی درباره موضوع خاصی را باز می‌نماید. وقتی با مانعی مواجه می‌شویم و اطلاعات دقیق یا منابعی برای پردازش آن اطلاعات از متن افتاده و حذف شده باشد، این الگوی ذهنی با فراهم آوردن مبنایی برای کنش، انتظارات، یادگیری و رفتار را هدایت می‌کند (نویخت، ۱۴۰۰). براساس دیدگاه درمان مبتنی بر روان‌بنه<sup>۱۰</sup>، بیشتر اختلافات و کشمکش‌های زن و شوهرها از ابعاد منفی شخصیت آن‌ها ناشی می‌شود و تأثیرگذاری عمیق اختلافات شخصیت در زوج‌درمانی

1. Bachem
2. Center for Disease Control and Prevention
3. European Commission
4. Lin, Brown & Mellencamp
5. Lorenz
6. Hald
7. Brian
8. Akpan & Ezeume
9. schema
10. schema therapy

مقوله‌ای آشکار و پذیرفته شده است (یانگ، کوید و تایر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸) و حالت‌های روان‌بنه<sup>۲</sup> مؤلفه مهم و مفهوم پیشرفته رویکرد درمانی مذکور است. حالت‌های روان‌بنه به حالات شناختی، رفتاری و هیجانی گفته می‌شود که در حال حاضر بر فرد مسلط است و زمانی ظاهر می‌شوند که چندین روان‌بنه ناسازگار اولیه فعال شده باشد. حالت‌های روان‌بنه شامل چهار گروه ذهنیت‌های کودکانه<sup>۳</sup>، ذهنیت‌های والد درون‌سازی شده<sup>۴</sup>، ذهنیت‌های مقابله‌ای ناسازگار<sup>۵</sup> و ذهنیت‌های سالم<sup>۶</sup> است. ریشه واکنش‌های ذهنیت‌های کودکانه، در عدم ارضای نیازهای ایمنی، محبت، راهنمایی و خودمختاری است. ذهنیت‌های والد درون‌سازی شده، منعکس‌کننده جنبه‌های منفی نمادهای دلبستگی به صورت انتخابی در طول دوران کودکی است. ذهنیت‌های مقابله‌ای ناسازگار به‌عنوان استفاده افراطی از واکنش‌های بقایی در پاسخ به نیازهای ارضاننده به‌صورت میخکوب شدن<sup>۷</sup> (تسلیم)، گریز<sup>۸</sup> (اجتناب) و جنگ (جبران افراطی)<sup>۹</sup> تعریف می‌شود. ذهنیت‌های سالم شامل ذهنیت‌های بزرگسال سالم و کودک شاد است (یانگ، کلسکو و ویشار<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۶).

یکی دیگر از متغیرهای مرتبط با تعارضات زن و شوهری و طلاق، سازگاری هیجانی<sup>۱۱</sup> است. نقش بارز و شاخص هیجان<sup>۱۲</sup> در ایجاد و درمان مشکلات زناشویی، پذیرفته شده و مورد استقبال قرار گرفته است (گاتمن، ۱۹۹۴). همچنین هیجان منفی عامل مهمی در ناسازگاری‌های زناشویی تلقی می‌شود (جلالی و همکاران، ۱۳۹۸). هیجان‌ات عامل اساسی و تأثیرگذار در ایجاد تعارضات زناشویی و همچنین، مؤلفه‌ای قدرتمند و ضروری برای ایجاد تغییر در روابط بین‌فردی ناکارآمد است (جانسون<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۹). سازگاری هیجانی شامل مکانیسم‌هایی است که باعث ثبات عاطفی فرد می‌شود (سینها و سینگ<sup>۱۴</sup>، ۱۹۹۳). سازگاری هیجانی توانایی مدیریت هیجان و ارضای منطقی نیازهای شخصی، برقراری ارتباط کارآمد

1. Yang, Coid & Tyre
2. schema modes
3. child modes
4. internalized parent modes
5. maladaptive coping modes
6. healthy modes
7. flight
8. fight
9. freeze
10. Young, Klosko & Weishaar
11. emotional adjustment
12. emotion
11. Johnson
14. Sinha & Singh

و درک و همدلی با دیگران، توانایی تحمل و پذیرش ناکامی و شکست است (آیونینگتیا، هارتادی و سومدی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹). رویو، هونتانگاس و هرناندز<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) برای سازگاری هیجانی دو زیرمقیاس فقدان نظم‌بخشی انگیزشی‌های هیجانی و فیزیولوژیک و ناامیدی و تفکر آرزومندانه را در نظر گرفته‌اند. سازه دیگر مرتبط با ناسازگاری زناشویی و طلاق، زندگی ارزش‌مدار است. از نظر یالوم<sup>۳</sup> (۱۹۹۵) زندگی فاقد معنا، هدف، ارزش یا آرمان باعث رنج و درد فراوان است که در حالت شدید، به خاتمه دادن زندگی منجر می‌شود. علاوه‌براین، زندگی مبتنی بر ارزش‌ها باعث می‌شود افراد به تدریج بدون اجتناب تجربه‌ای با مسائل زندگی خود مواجه شوند و در زندگی خود، انگیزه و تمایل به تغییر رفتار را در راستای اهداف ارزشمند زندگی پدید آورند (اورسیلو و باتن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵). ارزش‌ها می‌توانند در سطح کلی، اضطراب، بی‌خوابی، افسردگی و سلامت عمومی را پیش‌بینی کنند (نیکوگفتار، ۱۳۸۶). مطالعات متعددی سه متغیر پژوهش اخیر (حالت‌های روان‌بنا، سازگاری هیجانی و زندگی مبتنی بر ارزش‌ها) را مطالعه کرده و مورد توجه قرار داده‌اند. روان‌بناهای ناسازگار اولیه، نقش بارزی در پیدایش بسیاری از اختلالات روان‌شناختی دارند (جارویس، پادمانابهانونی و چیپس<sup>۵</sup>، ۲۰۱۹) و می‌توانند زندگی زناشویی همسران را با مشکلات عدیده‌ای همچون نارضایتی و تعارض مواجه سازند (کروک و کورت<sup>۶</sup>، ۲۰۱۹). زوجین سازگار، دارای حالت‌های روان‌بنا سازگار هستند (سیمونه چپارا-دیفرانسسکو، رودیگر و استیونز<sup>۷</sup>، ۲۰۱۵). هالویچ و ریچتر<sup>۸</sup> (۲۰۱۰) نشان دادند که بین روان‌بناهای ناسازگار اولیه و ازهم‌پاشیدگی خانوادگی رابطه معنی‌داری وجود دارد. نجفی و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند که زنان متقاضی طلاق در بیشتر روان‌بناها با زنان عادی تفاوت دارند. مطالعه مرادی و مسعود دیاریان (۱۳۹۹) نشان داد که زوجین پیش از طلاق، حین طلاق و بعد از طلاق، روان‌بناهای ناسازگار بیشتری نسبت به زوجین عادی دارند. مطالعه اصغری و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد که بین روان‌بناهای ناسازگار اولیه و تعارضات زناشویی زوجین متقاضی طلاق رابطه مستقیمی وجود دارد. در بعد سازگاری

1. Ayuningtyas, Hartati & Sumadi
2. Rubio, Hontangas & Hernández
3. Yalom
4. Orsillo & Batten
5. Jarvis, Padmanabhanunni & Chipps
6. Körik & Kurt
7. Difrancesco
8. Hahlweg & Richter

هیجانی، مطالعات نشان می‌دهند توانمند کردن انسان‌ها به‌لحاظ هیجانی، مواجهه آن‌ها با تعارضات زندگی را تسهیل می‌کند، از جمله مطالعه شاره و فشتنقی (۱۳۹۷) نشان داد که هوش هیجانی بر رضایت زناشویی و کیفیت زندگی زنان مؤثر است. محمد و جاییس<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) نشان دادند که افراد دارای هوش هیجانی بالا می‌توانند تأثیر وقایع استرس‌زا را به حداقل رسانند و با آن‌ها مقابله کنند و بدین ترتیب، سلامت جسمی و روانی بیشتری را تجربه می‌کنند. مطالعه لژکو<sup>۲</sup> (۲۰۱۶) نشان داد که صمیمیت فیزیکی و هیجانی رابطه مستقیمی با رضایت زناشویی دارد. در مطالعه دنا<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۶) مشخص شد که افراد با هوش هیجانی بالا، قادر به درک، پردازش و تنظیم هیجان‌ات خود هستند و به‌طور مؤثری می‌توانند باعث افزایش آسایش خود شوند و اختلال عاطفی کمتری را تجربه کنند. مطالعه قربانی، حیدری‌راد و علیمردانی صومعه (۱۳۹۵) تأیید کرد که بین هوش هیجانی و دلزدگی زناشویی زنان متقاضی طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود دارد، یعنی زنان عادی در هوش هیجانی و زنان متقاضی طلاق در دلزدگی زناشویی دارای نمرات بالاتری بودند.

خواستگاه اصلی زندگی مبتنی بر ارزش‌ها، درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد<sup>۴</sup> است (هیز، استروکال و ویلسون<sup>۵</sup>، ۱۹۹۹)؛ ولی ارزش‌ها، به‌ندرت به‌طور جداگانه بررسی شده است. لیتزینگر و گوردون<sup>۶</sup> (۲۰۰۵) در پژوهشی دریافتند که هماهنگی ارزش‌ها با سطح رضایت زناشویی زوجین ارتباط مثبت دارد. مطالعه گانت<sup>۷</sup> (۲۰۰۶) نشان داد که بین تشابه در شخصیت در حالت کلی و ابعاد ارزشی زوجین با میزان وابستگی آن‌ها همبستگی مثبت وجود دارد. سیفی‌قوزولو و همکاران (۱۳۹۲) به این نتیجه رسیدند که بین اخلاق، ارزش‌های شخصی و رضایت زناشویی زنان و مردان رابطه معناداری وجود دارد. مطالعه حاتمی‌نسب و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد که بین ارزش‌های زیبایی‌گرایی، دینی و اجتماعی با سلامت روان همبستگی مثبت وجود دارد. پس از بررسی پژوهش‌های مشابه با این تحقیق، مطالعه داخلی و خارجی در مورد مقایسه حالت‌های روان‌بنا، سازگاری هیجانی و زندگی مبتنی بر ارزش‌ها در زوجین متقاضی طلاق و عادی پیدا نشد؛ بنابراین در پژوهش

1. Jais
2. Leszko
3. Dana
4. acceptance and commitment therapy
5. Hayes, Strosahl & Wilson
6. Litzinger & Gordon
7. Gaunt

حاضر، برای هم‌سنجی حالت‌های روان‌بند، سازگاری هیجانی و زندگی ارزش‌مدار در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی سه فرضیه ارائه شد: ۱) بین حالت‌های روان‌بند زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی تفاوت معناداری وجود دارد. ۲) بین سازگاری هیجانی زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی تفاوت معناداری وجود دارد. ۳) بین زندگی ارزش‌مدار زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

### روش

این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش، علی-مقایسه‌ای است. جامعه پژوهش، شامل زوجین متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و زوجین عادی آستارا در سال ۱۴۰۰ بود که از میان آن‌ها، ۶۰ نفر (۳۰ زوج) زوجین متقاضی طلاق و ۶۰ نفر (۳۰ زوج) زوجین عادی به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند (از نظر دلاور ۱۳۹۶) برای تحقیق علی-مقایسه‌ای حداقل ۳۰ نفر ضروری است). برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های آماری t مستقل و تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) و SPSS-24 استفاده شد. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل ۱۸-۶۰ سال، داشتن حداقل سواد ششم ابتدایی، قرار نداشتن زوجین تحت مشاوره بود.

### ابزار سنجش

#### پرسش‌نامه حالت‌های روان‌بند

پرسش‌نامه حالت‌های روان‌بند<sup>۱</sup> را یانگ و همکاران (۲۰۰۶) به منظور سنجش حالت‌های روان‌بند، با ۱۲۴ گویه ساختند. نمره گذاری این آزمون روی یک مقیاس شش‌درجه‌ای لیکرت صورت می‌گیرد. برای به دست آوردن امتیاز کلی پرسش‌نامه، مجموع امتیازات همه سؤالات را با هم جمع می‌کنیم. نمرات بالا نشان‌دهنده حاکمیت آن ذهنیت بر سیستم پردازش اطلاعات است. در تحقیقات لوبستال، آرنتز و سیسوردا<sup>۲</sup> (۲۰۰۵)، پایایی درونی خرده‌مقیاس‌ها، از طریق آلفای کرونباخ از ۰/۷۶ تا ۰/۹۶ با میانگین ۰/۸۹ است و روایی افتراقی مناسب و روایی همگرایی متوسطی دارد. در پژوهش حیایی و همکاران (۱۳۹۷)،

1. schema mode questionnaire (SMQ)  
2. Lobbestael, Arntz & Sieswerda

آلفای کرونباخ به دست آمده ۰/۹۰ بود. صلواتی و یکه‌یزدان دوست (۱۳۹۰) پایایی پرسش‌نامه را در سطح آلفای بالای ۰/۷۰ برآورد کردند. آلفای کرونباخ محاسبه شده این پرسش‌نامه در پژوهش حاضر بین ۰/۶۸ تا ۰/۸۲ به دست آمد.

### پرسش‌نامه ارزشمندی زندگی

پرسش‌نامه ارزشمندی زندگی<sup>۱</sup> را ویلسون و همکاران (۲۰۱۰) ساخته‌اند و ده حوزه روابط خانوادگی، ازدواج و روابط صمیمانه، ایفای نقش‌های والدینی، دوستی و روابط اجتماعی، اشتغال، تعلیم و آموزش، تولیدمثل، معنویت، شهروندی و زندگی جمعی و آسایش جسمی را می‌سنجد. این پرسش‌نامه با مقیاس پاسخگویی ده‌درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود و در دو بخش تنظیم شده است. در بخش نخست، ده حوزه دارای اهمیت در زندگی درجه‌بندی می‌شود که برای شناسایی حوزه پراهمیت زندگی نزد پاسخ‌دهنده است. در بخش دوم، پاسخ‌دهنده، هماهنگی هر حوزه را با ارزش‌های خود رده‌بندی می‌کند. از مقایسه این دو حوزه، نمره فرد به دست می‌آید (ویلسون و همکاران، ۲۰۱۰). ویلسون و همکاران (۲۰۱۰) روایی این پرسش‌نامه را در بعد اهمیت از طریق تحلیل عاملی تأییدی مستند کرده و آلفای کرونباخ را طی دو مطالعه برابر با ۰/۷۹ و ۰/۸۳ و پایایی بازآزمایی آن را برای ده ارزش مورد سنجش در دامنه همبستگی برابر با ۰/۶۱ (برای آسایش جسمی) تا ۰/۸۲ (تولیدمثل) گزارش کرده‌اند. آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه در پژوهش عندلیب و همکاران (۱۳۹۳) برابر با ۰/۷۰ بود. در مطالعه اکبری (۱۳۹۷) پایایی پرسش‌نامه زندگی ارزشمند ۰/۷۶ و ضریب پایایی درونی آن برای کل آزمون ۰/۸۰ حاصل شد. اعتبار محتوایی این پرسش‌نامه براساس داوری پنج متخصص بر رویکرد پذیرش و تعهد بررسی و ضریب توافق کندال برای تمام مؤلفه‌های پرسش‌نامه تأیید شد. برای اعتبار سازه، تحلیل عاملی اکتشافی تک‌عاملی بودن پرسش‌نامه زندگی ارزشمند را پیشنهاد کرد و این عامل ۶۸ درصد از واریانس کل را تبیین کرد. اعتبار هم‌زمان آن نیز براساس ضریب همبستگی نمرات شرکت‌کننده‌ها در این ابزار با نمرات آن‌ها در زیرمقیاس‌های پرسش‌نامه زمینه‌یابی سلامت، پذیرش و تعهد و مقیاس‌های افسردگی، اضطراب و استرس بررسی (بین ۰/۵۸ تا ۰/۸۷) و تأیید شد. آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه در پژوهش اخیر ۰/۷۹ حاصل شد.

## مقیاس سازگاری هیجانی

مقیاس سازگاری هیجانی<sup>۱</sup> را رایبو<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۷) با هدف اندازه‌گیری تمایل افراد به اعمال تعادل هیجانی، تنظیم و ثبات در مقابل بی‌ثباتی هیجانی ساختند. این پرسش‌نامه شامل ۲۸ سؤال و دو خرده‌مقیاس فقدان نظم‌بخشی انگیزندگی‌های هیجانی و فیزیولوژیکی و به نام ناامیدی و تفکر آرزومندانه است و قالب پاسخ آن‌ها به صورت لیکرت از (۱ = کاملاً موافق) تا (۶ = کاملاً مخالف) است. در این ابزار ماده‌های ۲۱، ۲۵ و ۲۸ به‌طور معکوس نمره‌گذاری می‌شود. بالاترین نمره‌ای که فرد می‌تواند در این پرسش‌نامه به دست آورد ۱۶۸ و پایین‌ترین نمره ۲۸ است (رایبو و همکاران، ۲۰۰۷). در مطالعه رایبو و همکاران (۲۰۰۷) ضریب همسانی درونی مقیاس سازگاری هیجانی ۰/۸۹ به دست آمد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که در نمونه دانشجویان ایرانی ساختار دوبعدی EAM، با داده‌ها برازش مطلوبی دارند. در این مطالعه، نتایج پراکندگی مشترک بین اندازه‌های مقیاس سازگاری با اندازه‌های فهرست شخصیت آیزنگ و پرسش‌نامه پنج‌عاملی (شکری و همکاران، ۱۳۹۵) از روایی همگرایی مقیاس سازگاری هیجانی حمایت کرد و ضریب همسانی درونی ۰/۸۹ حاصل شد. در مطالعه شکری و همکاران (۱۳۹۵) همبستگی بین دو مؤلفه، از لحاظ آماری معنادار بود و ضرایب پایایی درونی عامل کلی و خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۸۴ و ۰/۹۱ به دست آمد. در پژوهش حاضر نیز، ضریب پایایی درونی با روش آلفای کرونباخ، برای مقیاس فقدان نظم‌بخشی ۰/۷۵ و فقدان امیدواری، ۰/۷۱ حاصل شد.

## یافته‌ها

در این پژوهش، میانگین و انحراف استاندارد سن زوجین متقاضی طلاق به ترتیب ۳۵/۶۵ و ۶/۸۲ و میانگین و انحراف استاندارد سن زوجین غیرمتقاضی طلاق به ترتیب ۴۱/۳۱ و ۹/۸۷ بود. در زوجین متقاضی طلاق میزان تحصیلات ۲۶ نفر دیپلم و زیر دیپلم، ۵ نفر کاردانی، ۲۳ نفر کارشناسی و ۶ نفر کارشناسی ارشد یا بالاتر بود. همچنین در گروه غیرمتقاضی طلاق، میزان تحصیلات ۲۸ نفر دیپلم و زیر دیپلم، ۵ نفر کاردانی، ۲۲ نفر کارشناسی و ۵ نفر کارشناسی ارشد یا بالاتر بود. در جدول ۱ میانگین، انحراف استاندارد و مقادیر

1. emotional adjustment measure  
3. Rubio

کالماگروف-اسمیرنف و آزمون لون مربوط به مؤلفه‌های حالت‌های روان‌بند و سازگاری زناشویی را در زوجین متقاضی طلاق و غیرمتقاضی طلاق نشان می‌دهد.

جدول ۱ میانگین، انحراف استاندارد و مقادیر کالماگروف-اسمیرنف و آزمون لون مربوط به مؤلفه‌های حالت‌های روان‌بند و سازگاری هیجانی در دو گروه زوجین متقاضی طلاق و زوجین غیرمتقاضی طلاق

متغیر	مؤلفه	میانگین ( انحراف استاندارد)		کالماگروف-اسمیرنف	
		متقاضی طلاق	غیر متقاضی	متقاضی طلاق	غیر متقاضی
حالت‌های روان‌بند	کودک آسیب‌پذیر	(۳/۷۱)۳۲/۷۲	(۴/۵۳)۳۰/۹۴	(NS) ۰/۰۹	(NS) ۰/۰۸
	کودک عصبانی	(۶/۱۰)۳۹/۰۹	(۵/۸۰)۳۵/۵۶	(NS) ۰/۱۰	(NS) ۰/۱۱
	کودک غضبناک	(۵/۹۱)۳۸/۲۳	(۵/۵۷)۳۶/۷۵	(NS) ۰/۰۷	(NS) ۰/۰۹
	کودک تکانشی	(۴/۹۶)۳۴/۷۴	(۵/۴۱)۳۰/۸۵	(NS) ۰/۰۹	(NS) ۰/۱۰
	کودک بی‌انضباط	(۳/۸۱)۲۲/۷۹	(۴/۱۴)۲۰/۴۳	(NS) ۰/۰۹	(NS) ۰/۱۱
	کودک شاد	(۷/۵۴)۳۶/۴۷	(۵/۱۱)۳۶/۱۳	(NS) ۰/۰۶	(NS) ۰/۰۸
	تسلیم‌شده مطیع	(۵/۰۸)۲۵/۷۲	(۵/۰۹)۲۶/۴۰	(NS) ۰/۰۹	(NS) ۰/۰۹
	محافظ بی‌تفاوت	(۵/۸۹)۳۲/۳۱	(۵/۹۸)۲۸/۱۷	(NS) ۰/۰۸	(NS) ۰/۰۹
	خودآرام بخش بی‌تفاوت	(۳/۵۹)۱۳/۰۶	(۴/۱۹)۱۲/۰۵	(NS) ۰/۰۷	(NS) ۰/۰۹
	خود بزرگ‌منش	(۶/۶۱)۳۵/۶۴	(۷/۵۲)۳۱/۵۲	(NS) ۰/۰۷	(NS) ۰/۰۸
	زورگو و تهاجمی	(۵/۰۸)۳۰/۵۹	(۵/۴۱)۲۸/۷۶	(NS) ۰/۱۱	(NS) ۰/۱۰
	والد تنبیه‌گر	(۶/۵۹)۳۸/۱۳	(۶/۱۳)۳۴/۲۶	(NS) ۰/۰۹	(NS) ۰/۱۱
	والد پر توقع	(۵/۴۷)۳۶/۱۶	(۶/۰۲)۳۱/۸۸	(NS) ۰/۰۸	(NS) ۰/۱۰
	بزرگسال سالم	(۵/۱۱)۳۶/۹۲	(۶/۳۸)۳۷/۱۶	(NS) ۰/۰۹	(NS) ۰/۱۱

متغیر	مؤلفه	میانگین ( انحراف استاندارد)		کالماگروف-اسمیرنف		F آزمون لون
		متقاضی طلاق	غیر متقاضی	متقاضی طلاق	غیر متقاضی	
سازگاری هیجانی	فقدان نظم‌بخشی	(۱۱/۵۳)۴۸/۳۸	(۱۱/۶۷)۴۲/۵۶	(NS) ۰/۰۹	(NS) ۰/۱۰	(NS) ۰/۸۳
	تفکر آرزومندانه	(۱۴/۲۰)۶۴/۲۳	(۱۴/۰۴)۵۷/۲۱	(NS) ۰/۱۰	(p=۰/۰۲) ۰/۱۲	(NS) ۱/۲۵

NS غیر معنادار

جدول ۱ مقادیر کالماگروف-اسمیرنف هر یک از مؤلفه‌های حالت‌های روان‌بند و سازگاری هیجانی را به صورت مجزا برای هر یک از دو گروه نشان می‌دهد. جدول بالا نشان می‌دهد که مقادیر کالماگروف-اسمیرنف برای همه مؤلفه‌های حالت‌های روان‌بند در هر دو گروه زوجین متقاضی طلاق و زوجین غیرمتقاضی در سطح ۰/۰۵ غیر معنادار است. این موضوع بیانگر آن است که توزیع داده‌های همه مؤلفه‌های حالت‌های روان‌بند در هر دو گروه نرمال است. جدول بالا نشان می‌دهد اگرچه مقادیر کالماگروف-اسمیرنف برای مؤلفه ناامیدی و تفکر آرزومندانه برای گروه غیرمتقاضی طلاق در سطح ۰/۰۵ معنادار بود، با وجود این با توجه به برابری حجم نمونه در دو گروه، سطح معناداری آزمون کالماگروف-اسمیرنف و مقاومت روش‌های آماری تحلیل واریانس در برابر انحراف از مفروضه، انتظار می‌رود این موضوع نتایج تحلیل را بی‌اعتبار نسازد. در ادامه جدول ۱ نتایج آزمون لون در ارزیابی مفروضه همگنی واریانس‌های خطا در هر یک از مؤلفه‌های حالت‌های روان‌بند و سازگاری هیجانی را در دو گروه نشان می‌دهد. همچنان که ملاحظه می‌شود، واریانس خطای هیچ‌یک از مؤلفه‌های حالت‌های روان‌بند و سازگاری هیجانی در سطح ۰/۰۵ معنادار نیست. بنابراین می‌توان گفت مفروضه همگنی واریانس‌های خطا در هر یک از مؤلفه‌های دو متغیر حالت‌های روان‌بند و سازگاری هیجانی در دو گروه برقرار است.

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) استفاده شد و نتایج نشان داد که مفروضه همگنی ماتریس‌های کوواریانس متغیرهای وابسته در بین داده‌های مربوط به مؤلفه‌های حالت‌های روان‌بند در دو گروه برقرار است (Box's  $M = ۰/۹۸, P = ۰/۲۳۲$ ). نتیجه آزمون کرویت بارلت<sup>۱</sup> نیز برای مؤلفه‌های حالت‌های روان‌بند در سطح ۰/۰۱ معنادار بود ( $p < ۰/۰۰۱, F(۱,۰۴) = ۶۵۹/۲۱$ ). همچنین نتایج نشان

1. Bartlett test of sphericity

داد که مفروضه همگنی ماتریس‌های کوواریانس متغیرهای وابسته برای مؤلفه‌های سازگاری زناشویی در بین داده‌های مربوط به دو گروه برقرار است ( $\text{Box's } M=11/24$ )، ( $F=1/84, P=0/218$ ) و نتیجه آزمون کرویت بارتلت نیز برای آن متغیر در سطح  $0/01$  معنادار بود ( $\chi^2(2)=14/59, p<0/001$ ). در ادامه، نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری نشان داد که ارزش  $F$  در مقایسه مؤلفه‌های حالت‌های روان‌بند ( $0/447$ ) و یلکز لامبدا،  $0/553 = \text{partial } \eta^2, P=0/001$ ، ( $F(14 \text{ و } 105) = 9/41, P=0/001$ ) و سازگاری هیجانی ( $0/885$ ) و یلکز لامبدا،  $0/115 = \text{partial } \eta^2, P=0/001$ ، ( $F(2 \text{ و } 117) = 7/38, P=0/001$ ) در بین دو گروه زوجین متقاضی طلاق و زوجین غیرمتقاضی طلاق در سطح  $0/01$  معنادار است. جدول ۳ نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه در مقایسه مؤلفه‌های حالت‌های روان‌بند و سازگاری هیجانی در بین دو گروه زوجین متقاضی طلاق و غیرمتقاضی طلاق را نشان می‌دهد.

جدول ۲ تحلیل واریانس یک‌راهه در مقایسه مؤلفه‌های حالت‌های روان‌بند و سازگاری هیجانی در دو گروه زوجین متقاضی طلاق و زوجین غیرمتقاضی طلاق

متغیر	مؤلفه	میانگین مجدورات	میانگین مجدورات خطا	F	p	$\eta^2$
حالت‌های روان‌بند	کودک آسیب‌پذیر	۱۰۰/۸۳	۱۷/۰۶	۵/۹۱	۰/۰۱۷	۰/۰۴۸
	کودک عصبانی	۳۶۷/۵۰	۳۴/۷۱	۱۰/۵۹	۰/۰۰۱	۰/۰۸۱
	کودک غضبناک	۶۴/۵۳	۳۲/۳۵	۲/۰۲	۰/۱۶۰	۰/۰۱۹
	کودک تکانشی	۴۵۶/۳۰	۲۶/۵۴	۱۷/۱۹	۰/۰۰۱	۰/۱۲۹
	کودک بی‌انضباط	۱۶۸/۳۳	۱۵/۶۰	۱۰/۷۷	۰/۰۰۱	۰/۰۸۶
	کودک شاد	۸/۵۳	۴۱/۰۹	۰/۲۱	۰/۶۴۹	۰/۰۰۶
	تسلیم‌شده مطیع	۱۳/۳۲	۲۵/۴۴	۰/۵۲	۰/۴۷۱	۰/۰۰۸
	محافظ بی تفاوت	۵۱۲/۵۳	۳۴/۴۵	۱۴/۸۸	۰/۰۰۱	۰/۱۱۴
	خود آرام‌بخش بی تفاوت	۳۲/۰۳	۱۵/۰۰	۲/۱۴	۰/۱۴۷	۰/۰۲۰
	خود بزرگ‌منش	۵۲۰/۸۱	۴۹/۵۸	۱۰/۵۱	۰/۰۰۲	۰/۰۸۶
	زورگو و تهاجمی	۱۰۰/۸۸	۲۷/۰۹	۳/۷۲	۰/۰۶۱	۰/۰۳۵
	والد تنبیه‌گر	۴۴۸/۶۰	۳۹/۷۶	۱۱/۲۸	۰/۰۰۱	۰/۰۹۲
	والد پرتوقع	۵۵۴/۷۴	۳۲/۲۴	۱۷/۲۱	۰/۰۰۱	۰/۱۳۲
سازگاری هیجانی	بزرگسال سالم	۱/۲۰	۳۲/۹۰	۰/۰۴	۰/۸۴۹	۰/۰۰۲
	فقدان نظم‌بخشی	۱۰۰۹/۲۰	۱۳۴/۰۴	۷/۵۳	۰/۰۰۶	۰/۰۶۰
	تفکر آرزومندانه	۱۴۷۷/۰۰	۱۹۹/۴۵	۷/۴۱	۰/۰۰۷	۰/۰۵۹

نکته ۱: در تحلیل واریانس یک‌راهه درجات آزادی بین گروهی ۱ و درجه آزادی خطا ۱۱۸ بود.

جدول ۲ نشان می‌دهد که نمره F حاصل از تحلیل واریانس یک متغیری برای ذهنیت‌های کودک عصبانی، کودک تکانشی، کودک بی‌انضباط، محافظ بی تفاوت، خودبزرگ‌منش، والد تنبیه‌گر و والد پرتوقع، ذهنیت زورگو و تهاجمی در سطح معناداری ۰/۰۱ و مؤلفه ذهنیت کودک آسیب‌پذیر در سطح ۰/۰۵ معنادار است. استفاده از آزمون تعقیبی بن‌فرونی نشان داد که زوجین متقاضی طلاق در مقایسه با غیرمتقاضی طلاق در مؤلفه‌های معنادار میانگین نمرات بالاتری میانگین نمرات بالاتری کسب کرده‌اند. همچنین، جدول ۲ نشان می‌دهد که نمره F مربوط به مؤلفه‌های فقدان نظم‌بخشی و ناامیدی و تفکر آرزومندانه سازگاری زناشویی در دو گروه زوجین متقاضی طلاق در مقایسه با زوجین غیرمتقاضی طلاق در سطح ۰/۰۱ معنادار است. استفاده از آزمون تعقیبی بن‌فرونی نشان داد که زوجین متقاضی طلاق در مقایسه با غیرمتقاضی طلاق در هر دو مؤلفه سازگاری هیجانی میانگین نمرات بالاتری کسب می‌کنند. با توجه به اینکه برای سنجش سازگاری هیجانی نمرات بالاتر نشان‌دهنده سازگاری هیجانی پایین است، بنابراین، چنین نتیجه‌گیری شد که زوجین متقاضی طلاق در مقایسه با زوجین غیرمتقاضی طلاق از سازگاری هیجانی پایین‌تری برخوردارند.

همچنین، جدول ۳ میانگین، انحراف استاندارد، مقادیر کشیدگی و چولگی متغیر زندگی ارزش‌مدار را در دو گروه زوجین متقاضی طلاق و عادی نشان می‌دهد.

جدول ۳ میانگین و انحراف استاندارد، مقادیر کالماگروف-اسمیرنف زندگی ارزش‌مدار در دو گروه زوجین متقاضی طلاق و عادی

محاسبات	متقاضی طلاق	عادی
میانگین	۶۱/۱۷	۶۷/۸۵
انحراف استاندارد	۹/۹۲	۱۱/۷۴
کالماگروف-اسمیرنف	۰/۰۹۷ (NS)	۰/۱۱۲ (NS)
آزمون لون	F=۱/۴۸, p=۰/۲۲۷	
tآزمون	t(۱۱۸)=۳/۳۶, P=۰/۰۰۱	

NS غیر معنادار

جدول ۳ نشان می‌دهد که مقادیر چولگی و کشیدگی برای متغیر زندگی ارزش‌مدار در هر دو گروه در فاصله  $\pm 2$  قرار دارد. این موضوع بیانگر آن است که توزیع داده‌ها برای هر دو گروه نرمال است. استفاده از آزمون لون نشان داد که مفروضه همگنی

واریانس‌های خطا برای متغیر زندگی ارزش‌مدار در دو گروه برقرار است ( $p > 0/05$ )،  $f = 2/591$ ). در ادامه، استفاده از آزمون  $t$  مستقل نشان داد که بین دو گروه زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی به‌لحاظ زندگی ارزش‌مدار تفاوت معنادار وجود دارد ( $t(198) = 8/390, p < 0/01$ ). بدین ترتیب، در آزمون فرضیه سوم چنین نتیجه‌گیری شد که زوجین متقاضی طلاق در مقایسه با زوجین عادی در متغیر زندگی ارزش‌مدار نمرات پایین‌تری کسب می‌کنند.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر مقایسه‌ی حالت‌های روان‌بند، سازگاری هیجانی و زندگی مبتنی بر ارزش‌ها در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی شهرستان آستارا بود. در آزمون فرضیه‌ی اول چنین نتیجه‌گیری شد که زوجین متقاضی طلاق در مقایسه با زوجین عادی، دارای حالت‌های روان‌بند ناسازگارانه‌تر هستند. در مطالعات مشابه، این یافته با مطالعات زیر مطابقت دارد: در مطالعه‌ی لطافتی و همکاران (۱۴۰۰)، در زمینه تأثیر درمان مبتنی بر ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای بر کاهش تعارضات زناشویی زوجین، مطالعه‌ی یوسفی و همکاران (۱۳۸۹) در مورد مقایسه‌ی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در همسران مطلقه و عادی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های طلاق، مطالعه‌ی مرادی و مسعود دیاریان (۱۳۹۹) در زمینه مقایسه‌ی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در چهار گروه زوجین پیش، حین طلاق مطلقه و عادی، مطالعه‌ی اصغری و همکاران (۱۳۹۴) در مورد بررسی رابطه‌ی بین طرح‌واره‌های ناسازگار با تعارضات زناشویی و بی‌ثباتی زناشویی در بین زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی، مطالعه‌ی برادبوری<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۸) در زمینه ماهیت و عوامل تعیین‌کننده رضایت زناشویی، مطالعه‌ی میلر و توماس<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) در زمینه نقش روان‌بند‌های منفی در تعاملات سازگارانه و ناسازگارانه زوجین و هالویچ و ریچتر (۲۰۱۰) در مورد پیشگیری از بی‌ثباتی و ناراحتی زناشویی. از نظر بالبی<sup>۳</sup> (۱۹۸۸) مشکلاتی که در مراحل نخستین زندگی اتفاق می‌افتد بر پردازش اطلاعات دوره‌های بعدی زندگی تأثیرگذار است. این عمل فرد را در برابر ترس از تنها ماندن و تهدیدهای مضر بقا آسیب‌پذیر می‌سازد. پردازش اطلاعات تحت تأثیر

1. Bradbury  
2. Miller & Thomas  
3. Bowlby

روان‌بناهاست. روان‌بناهای ناسازگار اولیه به علت ارضا نشدن نیازهای هیجانی اساسی در دوران کودکی (دل‌بستگی ایمن، خودگردانی، آزادی در ابراز نیازها و هیجان‌های سالم، خودانگیختگی و محدودیت‌های واقع‌بینانه) پدید می‌آیند (یانگ، ۲۰۰۶) و روان‌درمانگران از طریق تنظیم هیجان، زمینه بهبود روان‌بناها را فراهم می‌سازند (تیتو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۵). بنابراین، هرچه روان‌بناهای ناسازگار اولیه فعال‌تر باشند، حالت‌های روان‌بنا سازگار نیز فعال‌تر می‌شوند و مدیریت شخصیت از کنترل ذهنیت بزرگسال بالغ خارج می‌شود و با گسسته شدن انسجام رابطه زناشویی، زوجین به سمت طلاق و جدایی سوق داده می‌شوند؛ یعنی گفته می‌شود که زوجین در دام حالت‌های روان‌بنا سازگار به بن‌بست رسیده‌اند و قادر به ارضای نیازهای اولیه خود نیستند؛ بنابراین، مؤید آنچه گفته شد، حالت‌های روان‌بنا نقش تردیدناپذیر و تعیین‌کننده‌ای در ایجاد و تشدید تعارضات زناشویی و طلاق دارد. این یافته نشان داد که تعارضات زناشویی در عدم ارضای نیازهای اولیه در دوره کودکی ریشه دارد که خود را به صورت حالت‌های روان‌بنا آشکار می‌سازد. نیازهای هیجانی بنیادین در انسان وجود دارد که باید برآورده شوند و ناکامی در برآورده شدن این نیازها موجب شکل‌گیری روان‌بناهای ناسازگار اولیه و فعال شدن حالت‌های روان‌بنا می‌شود. همین امر باعث پدیدآیی مشکلات هیجانی و ایجاد تعارضات زناشویی می‌شود.

در آزمون فرضیه دوم چنین نتیجه‌گیری شد که زوجین متقاضی طلاق در مقایسه با زوجین عادی از سازگاری هیجانی پایین‌تری برخوردارند. در مطالعات مشابه می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد: مطالعه دانا و همکاران (۲۰۱۶) در مورد هوش هیجانی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده رفاه زوجین، مطالعه اسکووون<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) در مورد نقش بلوغ عاطفی واکنش عاطفی زوجین در رضایت زناشویی، مطالعه گلاذ<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) در زمینه نقش بلوغ عاطفی در رضایت زناشویی، مطالعه شاره و فشتنقی (۱۳۹۷) در مورد نقش هوش هیجانی و رضایت زناشویی در کیفیت زندگی زنان، مطالعه قربانی و همکاران (۱۳۹۵) درباره مقایسه هوش هیجانی و دلزدگی زناشویی در زنان متقاضی طلاق و عادی. نقش هیجان در روابط زن‌وشوهری و درمان تعارضات زناشویی یک اصل اساسی و ضرورت است (جانسون، ۲۰۰۴؛ فارو<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). نقش بارز و شاخص هیجان در ایجاد و درمان مشکلات

1. Titov  
2. Skowron  
3. Glade  
4. Furrow

زناشویی، پذیرفته شده و مورد استقبال قرار گرفته است (گاتمن، ۱۹۹۴). هیجان در جامعه بشری جایگاه مهمی دارد. به‌عنوان عملکرد پیشرفته مغز انسان، می‌تواند از سازگاری افراد در محیط‌های مختلف اطمینان حاصل کند. در عین حال، می‌تواند ویژگی‌ها و نشانه‌های شخصیتی انسان و آسیب‌شناسی روانی را نیز مشخص کند (راکووک-فلسر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵). در وضعیت ناسازگاری هیجانی، زوجین به شدت عصبانی می‌شوند، دچار مشکلات گوارشی و ضربان قلب بالا می‌شوند، موانع و مشکلات بسیار جزئی برای آن‌ها ناراحت‌کننده می‌شود و خونسردی خود را از دست می‌دهند، به خاطر مشکلات گذشته، خود را سرزنش می‌کنند و خشم معطوف به خود دارند، زود به گریه می‌افتند، ناامید می‌شوند و در اکثر مواقع اعتماد به نفسشان کاهش پیدا می‌کند (رایبو و همکاران، ۲۰۰۷). بنابراین سازگاری هیجانی پیش‌نیاز الگوهای ارتباطی است، زوجین فاقد سازگاری هیجانی دچار تعارض می‌شوند و چه‌بسا که روابطشان به طلاق و جدایی منجر شود. مسلط شدن زوجین به مهارت‌های مدیریت هیجان، باعث می‌شود سازگاران‌تر عمل کنند و در ارتباط با خود و دیگران مقابله کارآمدی داشته باشند (جانسون، ۲۰۰۸).

در آزمون فرضیه سوم چنین نتیجه‌گیری شد که زوجین متقاضی طلاق در مقایسه با زوجین عادی در متغیر زندگی ارزش‌مدار نمرات پایین‌تری کسب می‌کنند. در این قسمت از پژوهش، یافته ما با مطالعات زیر همسو است: مطالعه سیفی قوزولو و همکاران (۱۳۹۲) در مورد رابطه بین اخلاق، ارزش‌های شخصی و رضایت زناشویی، لیتزینگر و گوردون (۲۰۰۵) در هماهنگی ارزش‌ها با رضایت زناشویی، مطالعه گانت (۲۰۰۶) در مورد همبستگی مثبت بین تشابه در شباهت شخصیت و ابعاد ارزشی زوجین با میزان وابستگی آن‌ها و رضایتمندی زناشویی، مطالعه تائو (۲۰۱۱) در زمینه رضایت از زندگی، ارزش‌های باز بودن، تعالی خود و خردمندی، و در مطالعه حاتمی نسب و همکاران (۱۳۹۱) در مورد رابطه بین نظام ارزش‌ها و سلامت روانی دانشجویان. زندگی مبتنی بر ارزش‌ها باعث افزایش انعطاف‌پذیری روان‌شناختی شده و توان فرد را برای مقابله با استرس‌های زندگی افزایش می‌دهد و همچنین، بر رفاه افراد در محیط خانواده و تعاملات میان زوج‌ها تأثیر مثبتی دارد (مارتین، استاجر و اندرسون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). در تبیین این یافته می‌توان گفت که زندگی ارزش‌مدار از عوامل اساسی زندگی زناشویی موفق است.

1. Rakovec-Felser  
2. Martin, Staggers & Anderson

داشتن ارزش‌های واضح و روشن یک قدم اساسی در خلق زندگی پرمعنا است. ارزش‌ها «جهت‌های انتخاب‌شده زندگی» است (هیز و استروکال، ۲۰۰۴). بنابراین، این قطب‌نما به زندگی ما جهت می‌دهد و سفر ما را به‌طور مداوم هدایت می‌کند. شخص با داشتن ارزش‌های زندگی تا پای جان در مسیر ارزش‌ها حرکت می‌کند، همسری که برایش روابط خانوادگی ارزشمند است، به سمت روابط فراشناوبی نمی‌رود، فردی که سلامت جسمانی برای او مؤلفه‌ای ارزشمند است، مواد آسیب‌رسان مصرف نمی‌کند، زوجی که برای او تعالیم دینی یک ارزش واقعی است، سعی می‌کنند توصیه‌های دینی را رعایت کنند، لذا با توجه به این یافته و یافته‌های همسو می‌توان گفت که داشتن زندگی مبتنی بر ارزش‌ها، به زندگی زوجین معنا و مفهوم می‌بخشد و به راحتی این امکان را به آن‌ها نمی‌دهد که به فکر جدایی و طلاق باشند. ارزش‌های شخصی مانند اخلاق بر زندگی انسان تأثیر جدی می‌گذارد و یک زندگی پرمعنا توان مقابله ما را با انواع افکار، احساسات و تصورات غلط تقویت می‌کند.

بنابراین، هدف پژوهش حاضر، مقایسه حالت‌های روان‌بنا، سازگاری هیجانی و زندگی مبتنی بر ارزش‌ها در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی شهرستان آستارا بود. یافته‌ها نشان داد که زوجین متقاضی طلاق در مقایسه با زوجین عادی، حالت‌های روان‌بنا ناسازگارتر، سازگاری هیجانی و زندگی ارزشمدار پایین‌تری دارند. استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و هدفمند و انجام پژوهش فقط در یک شهرستان، از محدودیت‌های مطالعه اخیر بود. لذا پیشنهاد می‌شود در جوامع آماری دیگر نیز چنین پژوهشی با حجم نمونه بیشتر و با نمونه‌گیری تصادفی صورت پذیرد. توصیه می‌شود برای هر یک از سنج‌های متغیرهای وابسته فرضیه‌های جداگانه‌ای تهیه شود. پیشنهاد مهم کاربردی پژوهش این است که در مداخلات درمانی زوج‌های متعارض و در آستانه طلاق، حالت‌های روان‌بنا، سازگاری هیجانی و ارزش‌های زندگی مورد توجه قرار گرفتند، بررسی و استفاده شدند.

### قدردانی

از مراجعان محترم مراکز مشاوره «پیوند زندگی» و «اندیشه» شهرستان آستارا سپاسگزاری و قدردانی می‌شود.

## منابع

- اکبری، مهدی (۱۳۹۷)، بررسی اعتبار و پایایی نسخه فارسی پرسش‌نامه زندگی ارزشمند: مبتنی بر رویکرد تعهد و پذیرش، *دوفصلنامه علمی-پژوهشی روانشناسی بالینی و شخصیت*، ۱۶(۱)، ۲۳۹-۲۴۹.
- اصغری، فرهاد، صادقی، عباس، زارع خاک‌دوست، سمیه و انتظاری، مرجان (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار با تعارض زناشویی و بی‌ثباتی زناشویی در بین زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی، *دوفصلنامه آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۱(۱)، ۳۲-۴۵.
- جانسون، سوزان (۲۰۰۴)، *تمرین زوج‌درمانی هیجان‌مدار*، ترجمه بهرامی، فاطمه، آذریان، زهرا و اعتمادی، عذرا (۱۳۹۶)، تهران، انتشارات دانش.
- حاتمی‌نسب، سیدحسن، بهمنی، اکبر، طالعی‌فر، رضا و جوانبخت، موسی (۱۳۹۱)، تحلیل رابطه بین نظام ارزش‌ها و سلامت روانی دانشجویان کارشناسی ارشد، *مجله فرهنگ در دانشگاه آزاد اسلامی*، ۲(۱)، ۱۲۷-۱۴۸.
- جلالی، ندا، حیدری، حسن، داودی، حسین و آل یاسین، سیدعلی (۱۳۹۸)، مقایسه تأثیر مداخله آموزشی مبتنی بر رویکرد هیجان‌مدار و رویکرد غنی‌سازی روابط گاتمن بر تعارض زناشویی گروهی از زنان شهرستان خمین، *دوفصلنامه روانشناسی فرهنگی*، ۱، ۴۱-۶۲.
- حیایی، مژگان و سلیمانی، شهلا (۱۳۹۷)، پیامدهای طلاق برای فرد مطلقه: یک مطالعه کیفی، *مجله رویش روان‌شناسی*، ۱۱(۳۲)، ۲۷۳-۲۸۸.
- دلاور، علی (۱۳۹۶)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، نشر رشد.
- قربانی، فاطمه، حیدری‌راد، حدیث و علیمردانی‌صومعه، سجاد (۱۳۹۵)، مقایسه هوش هیجانی و دل‌دگی زناشویی در زنان متقاضی طلاق و عادی. *مجله دستاوردهای روان‌شناسی بالینی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۲(۴)، ۲۱-۳۶.
- سیمونه، دی فرانچسکو کیارا، رودیگر، اکهارد و استیونز، بروس (۲۰۱۵)، طرح‌واره‌درمانی برای زوجین، راهنمای کاربردی برای متخصصان بالینی، ترجمه حاجی‌علیزاده، کبری و سلیمی، هادی (۱۳۹۷)، تهران، انتشارات ابن‌سینا.
- سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۹۷) (<https://www.sabteahval.ir>)
- شاره، حسین و فشتنقی، کاظم (۱۳۹۷)، نقش هوش هیجانی و رضایت زناشویی بر کیفیت زندگی زنان: مدل‌سازی معادلات ساختاری، *مجله اصول بهداشت روانی*، ۲۱(۲)، ۱۲۵-۱۴۰.
- سیفی قوزولو، سیدجواد، حمیدی، امید، شریفی، گشاو و خلیلی، شیوا (۱۳۹۲)، رابطه بین اخلاق، ارزش‌های شخصی و رضایت زناشویی در بین زوجین در شهر مغان، *فصلنامه روان‌درمانی و مشاوره خانواده*، ۱(۱۶)، ۱۱۵-۱۳۹.
- کاوسیان، جواد، حریفی، حسنیه و کریمی، کامبیز (۱۳۹۵)، اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر رضایت زناشویی زوج‌ها، *مجله سلامت و مراقبت*، ۱۸(۴)، ۷۵-۸۷.
- شکری، امید، تمیزی، نوشین، عبدالله‌پور، محمد، سادات اخوی، زهره و عبدالخالقی، معصومه (۱۳۹۵)، مشخصه‌های روان‌سنجی مقیاس واکنش‌پذیری نسبت به استرس ادراک‌شده، *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، دانشگاه علامه طباطبائی، ۷(۲۵)، ۱۳۷-۱۵۸.



- Glade., A.C. (2016), *Differentiation, marital satisfaction and Depressive symptoms: An application of Bowen Theory*. Doctora theses, Ohio State University.
- Gaunt, R. (2006), Couple similarity and marital satisfaction: Are similar spouses happier? *Journal of Personality*, 74, 1402–1420.
- Gottman, J. M. (1994), *What predicts divorce? The relationship between marital processes and marital outcomes*, Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- Hald, G. M., Cipric, A., Sander, S., & Strizzi, J. M. (2020), Anxiety and depression among recently divorced individuals, *Journal of Mental Health*, 31(1), 80-92.
- Hahlweg, K., & Richter, D. (2010), Prevention of marital instability and distress: Result of an 11-year longitudinal follow-up study. *Behavior Research and Therapy*, (48), 377-383.
- Hayes, S. C., Strosahl, K. D., & Wilson, K. G. (1999), *Acceptance and Commitment Therapy: An Experiential Approach to Behavior Change*, Guilford Press.
- Jarvis, M. A., Padmanabhanunni, A., & Chipps, J. (2019), An Evaluation of a Low-Intensity Cognitive Behavioral Therapy mHealth-Supported Intervention to Reduce Loneliness in Older People. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 16(7), 1-14.
- Johnson, S. M. (2019), *The Practice of Emotionally Focused Marital Therapy. Creating a Connection* (3rd), New York: Runner/Rutledge.
- Johnson, S. M. (2008), *Attachment and Emotionally Focused Therapy: Perfect Partners*. In J. Obegi & E. Berant (Eds.), *Clinical Applications of Adult Attachment*, New York: Guilford Press.
- Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2020), Research on Marital Satisfaction and Stability in the 2010s: Challenging Conventional Wisdom, *Journal of Marriage and Family*, 82(1), 100-116.
- Körük, S., & Kurt, A. A. (2019), The predictive role of early maladaptive schemas in the evaluation of pre-marital romantic relationships among university students. *Yasam Becerileri Psikoloji Dergisi*, 3(5), 73-83.
- Leszko, M. (2016), *Intimacy as a Mediator of the Relationship Between Caregiver Burden and Marital Satisfaction*, Dissertation, University of Kansas.
- Lin, F., Brown, I. S., & Mellencamp, K. A. (2022), The Roles of Gray Divorce and Subsequent Repartnering for Parent–Adult Child Relationships. *The Journals of Gerontology*, 77(1), 212–223.
- Litzinger, S., & Gordon, K. (2005), Exploring relationships among communication, sexual satisfaction, and marital satisfaction. *Journal of Sex and Marital Therapy*, 31, 409–424.
- Lorenz, F., Wickrama, K., Conger, R., & Elder, G. (2006), The short-term and decade-long effects of divorce on women's midlife health, *Journal of Health and Social Behavior*, 47(2), 111–125.
- Lobbetael, J., Arntz, A., & Sieswerda, A. (2005), Schema modes and childhood abuse in borderline and anti-social personality disorders, *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 36, 240–253.
- Martin, M. M., Staggers, S. M., & Anderson, C. M. (2011), The relationships between cognitive flexibility with dogmatism, intellectual flexibility, preference for consistency, and selfcompassion, *Communication Research Reports*, 28(3):275-80.
- Miller, G. E., & Thomas, B. N. (1995), Refining the association between attribution and behavior in marital interaction, *Journal of Family Psychology*, 9, 196-208.
- Mohamad, M., & Jais, J. (2016), Emotional intelligence and job performance: A study among Malaysian teachers, *Procedia Economics and Finance*, 35, 674-682.
- Mueller, C. W., & Pope, H. (1977), Marital instability: A study of its transmission between generations, *Journal of Marriage and the Family*, 39, 83-93.
- Orsillo, S. M., & Batten, S. A. (2005), Acceptance and commitment therapy in the treatment of posttraumatic stress disorder, *Behavior Modification*, 29 (1), 95-129.
- Rubio, V. J., Aguado, D., Hontangas, P. M., & Hernández, J. (2007), Psychometric properties

- of an emotional adjustment measure: An application of the graded response model. *European Journal of Psychological Assessment*, 23(1), 39–46.
- Rakovec-Felser. (2015), The sensitiveness and fulfillment of psychological needs: medical, health care and students. *Collegium Antropologicum*, 39(3), 541–550.
- Skowron, E. A. (2018), The role of differentiation of self in marital adjustment, *Journal of Counseling Psychology*, 47 (2), 229-237.
- Sinha, A. K. P., & Singh, R. P. (1993), Manual for adjustment inventory for school students. *Agra: National Psychological Corporation*, 48, 281-290.
- Thao, N. Le. (2011), Life satisfaction, Openness value, self-transcendence, and wisdom, *Journal of Springer*, 12, 171-182.
- Titov, N., Dear B. F., Ali S., Zou J. B., Lorian C. N., Johnston L, Matthew D, s, TerideS, M D, Kayrouz, R, Klein, B, Gandy, M, Fogliati, V. (2015), Clinical and cost-effectiveness of therapist-guided internet-delivered cognitive behavior therapy for older adults with symptoms of depression: a randomized controlled trial, *Behavior Therapy*, 46(2), 193-205.
- Vezzetti, V. C. (2016), New approaches to divorce with children: A problem of public health, *Health Psychology Open*, 3(2).
- Wilson, K. G., Sandoz, E. K., Kitchens, J., & Roberts, M. (2010), The valued living Questionnaire: defining and measuring valued action within a behavioral framework, *The Psychological Record*, 60(2), 249–272.
- Yalom, I. D. (1995), *The Theory and Practice of Group Psychotherapy*, (4th ed.) New York, Harper Collins.
- Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2006), *Schema Therapy: A Practitioner's Guide*, New York: Guilford Press. A division of Guilford publication, link. 72 spring.
- Yang, M., Coid, J., & Tyre, P. (2018), Personality pathology recorded by severity: national survey. *British Journal of Psychiatry*, 197, 193–199.